

## اشتراکی برای بیان اطاعت از فرامین اربابان

یکی از آرزوهای همیشگی ناسیونالیسم کرد در ایران اتحاد احزاب اپوزسیون کرد بوده است، حتی اگر این امر بر سر محکوم ساختن یا ستایش از عملی منفرد به صورتی مشترک بوده باشد. اما اختلافات قدیمی و رقابت‌های همیشگی مانع از نیل به چنین هدفی شده است. وقتی آخرین پروژه بزرگ اتحاد احزاب کردستان ذیل عنوان «کنفرانس ملی کرد» به سبب رقابت‌های آشتی‌ناپذیر پ.ک.ک و حزب دموکرات کردستان عراق با شکست مواجه شد آخرین امیدها برای دیدن این احزاب نیز در کنار هم موقتاً نقش بر آب شد. اما هنگامی که به رسمی دیرینه و مکرر در موسم انتخابات در ایران، احزاب کرد نیز جهت اعلام و تکرار مناسک وار و آیینی مخالفت خود با شرکت در انتخابات و دعوت مردم کرد به تحریم آن وارد صحنه شدند، شاهد «بیانیه‌ای مشترک» از سوی این احزاب شدیم. امری که خبر از شکل‌گیری ائتلافی می‌دهد که تنها دلمشغول صرف مسئله انتخابات نیست و خیال‌اندیش رویاهای دیگری ست.

احزاب مزبور ضمن رد آزادبودن این انتخابات، ممنوعیت فعالیت احزاب مخالف در ایران، فقدان آزادی بیان و محرومیت «ملت کرد از ابتدایی‌ترین حقوق ملی و انسانی خود» انتخابات را «عاملی در راستای تداوم حاکمیت مستبد و دیکتاتور جمهوری اسلامی» اعلام کردند و خطاب به مردم کرد درخواست کردند که با «عدم مشارکت در این انتخابات نمایشی پیامی روشن از اراده و اتحاد در مقابل رژیم که حقوق انسانی و مشروع شما را نقض می‌کند به گوش جهان برسانید». سرانجام این که استقبال از این فراخوان را به معنای عمل به «وظیفه آزادیخواهانه» فعالان و جریان‌های سیاسی در «نیرومندتر کردن صفوف اتحاد» خواندند.

بررسی ادعاهای بیانیه مزبور بی‌شک به اندازه واکاوی کنارهم قرارگرفتن شاخه‌های منشعب و مختلف کومله و سازمان مذهبی تازه از خواب اصحاب کهف برگشته خبات می‌تواند روشن سازد که این ائتلاف سرانجام حاصل‌شده چه پیام‌هایی در خود دارد. اما شاید بهتر آن باشد که با ناگفته‌های بیانیه آغاز کنیم، جایی که دریایی از سخن‌های ناگفته آرمیده است. غیر از تکرار کلیاتی توخالی درباره نظام سیاسی در ایران، این بیانیه فاقد هرگونه اشاره‌ای است به وضعیت خاص الان جهان، منطقه و اوضاع سیاسی در ایران، به نحوی که اگر بنا را فعلاً بر تداوم نظام سیاسی کنونی بدانیم می‌توان این بیانیه را به صورتی بی‌زمان همواره در موسم انتخابات مجدداً کپی کرد و زحمت برگزاری جلساتی تازه را نیز به خود نداد. زیرا موضع سیاسی «دعوت به تحریم فعال» نه از بطن تحلیلی انضمامی از اوضاع ایران و جهان که از کلیاتی ابتدایی و بدیهی از نظم سیاسی حاکم بر چهار دهه اخیر ایران استنتاج شده است. اما چه می‌شود اگر این «سکوت» نه ناشی از بی‌باوری به تحلیلی خاص و انضمامی از اکنون، بلکه ناشی از تلاش برای «مسکوت گذاشتن» آن باشد؟ چرا بیانیه هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که این ائتلاف میمون و مبارک چرا درست الان شکل گرفته و چگونه سرانجام همه عداوت‌های تاریخی و سیاسی بالکل فراموش شده است؟ چرا کومله‌های مختلف از خیر نزاع‌های فرسایشی و خسته‌کننده گذشته‌اند تا بدیهیاتی اظهر من الشمس را به مردم کرد یادآوری کنند؟ چرا سازمانی بی‌جان و در گذشته به نام خبات به جمع این ائتلاف احضار شده است؟ چه ارتباطی میان صف‌بندی سیاسی منطقه‌ای و جهانی با هماهنگ‌شدن احزاب کرد وجود دارد؟ آیا حزب کمونیست ایران با حمایت تمام‌قد از نیروهای پ.ک.ک در سوریه تا ایستادن در کنار احزاب زحمتکش‌شان و دموکرات‌نشان‌ای غیر از نزدیکی با وابستگان امریکا از خود ارسال کرده است؟ صفوف کدام اتحاد با ایستادن حزب کمونیست ایران در کنار نه فقط احزاب دست‌راستی کرد بلکه جریان‌اتی که در اخذ کمک از امریکا و دعوت دولت وقت امریکا به صورت علنی ابایی ندارد محکم می‌شود؟

این که خبات در راه آزادیخواهی گام می‌زند – بماند که آیا اصولاً توانی برای هر کاری دارد – و عدم شرکت در انتخابات به شکلی سلبی و بدون هیچ مابه‌ازای سیاسی معین‌کنشی است آزادیخواهانه نیز

تعاریفی است بدیع و جالب از سیاست انقلابی نزد احزاب کرد. اما شاید مهمترین بخش گفته‌های بیانیه نه در تکرار مکررات همیشگی بلکه آنجایی است که خواستار ارسال پیامی روشن و قاطع خطاب به «گوش جهانیان» می‌شود. اگر در نظر داشته باشیم که تنها جهانیانی که احتمالاً گوش‌های شنیدنی برای شنیدن پیام برآمده از میزان پایین مشارکت کرده‌های ایران دارند کسی نیست مگر ایالات متحده، نیروی جنگ‌طلبی که اداره سیاسی این کشور را به دست گرفته و رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی، می‌توان تا حدودی به رمزگشایی از این پرداخت که هدف از این اتحاد ملی و بیانیه مشترک شاید در نشان دادن وزن سیاسی این احزاب به دستهایی است که بر فراز ایشان حکم به چنین ائتلاف‌ها و لزوم اتحادهایی می‌دهند که هیچ مطالبه و خواست ملی‌گرایانه‌ای تاکنون موفق به انجام آن نشده است.

اگرچه حزب کمونیست ایران دیرزمانی است که نشان داده به چه طریق مهلکی درافتاده است اما این که میزان چنین زوالی تا بدانجا تسریع شده باشد که دبیرکل سازمان کردستان این حزب مسئولیت نمادین سخنگویی این ائتلاف را ایفا کند و دست در دست جریاناتی بگذارد که خواست و غایت ضد‌مردمی ایشان از آفتاب واضح‌تر است خبر از ضرورت تغییر عنوان سی و پنج ساله ای دارد که هیچ گاه محتوایش به گرد پای نامش نرسید، ایفای نقش جناح چپ ناسیونالیسم کرد نیازمند تطابق نام و این محتوای راستین است. اما دریغ که زمانی اینان چنین نقشی را می‌پذیرند که ناسیونالیسم کرد در فاسدترین شکل حیات انگلی و وابستگی خویش به سر می‌برد. دورانی که برای جناح چپ آن نیز ماترکی بر جا نمی‌گذارد مگر اسمی از سازمانی چپ‌گرا که آن نیز با تقسیمات متعدد به حاشیه‌ای فرعی و نعل وارونه برای سازمان‌هایی بی‌ارتباط با توده‌های زحمت‌کش کرد بدل شده است. با این اوصاف، بیانیه اخیر را صرفاً می‌توان گام آخر در اتحاد سازمان‌های وابسته و آلت‌دستی دید که اطاعت از فرمان اربابان جهانی و منطقه‌ای را بر هر سیاست مستقل و مردمی‌ای مرجح دانسته و نشان داده‌اند که وقتی که پای انتفاع از سفره دلارها و دینارهای اربابان باشد نه تنها جان پیشمرگه‌هایشان را به چیزی نمی‌گیرند که با مردگان نیز در خواندن بیانیه مشترک سرسپردگی هم‌صدا خواهند شد.

جمعی از فعالین سوسیالیست - مهاباد، خرداد ۱۳۹۶